



همبستگی هفتگی

۱۱

۱۹ مرداد ۱۳۸۰ و
۱۰ اوت ۲۰۰۱

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی



آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

اگر دولت جمهوری سوسیالیستی در ایران برپا شود، چه رفتاری با حق اقامت، کار و تابعیت پناهندگان و مهاجرین میکند؟

اما لازم است در مورد فراریان از جرائم جنایی هم نکته ای را متذکر شوم. در مورد این افراد، اگر ادعای نامه ای علیه شان وجود داشته باشد قطعا در چهارچوب قوانین کشور یا قراردادهای بین المللی فی مابین محاکمه یا به کشوری که جرم در آن انجام شده باشد مسترد خواهند شد. واضح است که استرداد مجرم با در نظر گرفتن قوانین کیفری کشور خواهان استرداد انجام میگیرد. بطور مثال اگر مجازات جرم مورد بحث در کشوری که خواهان استرداد است اعدام یا تنبیهاتی از قبیل شلاق و سنگسار و غیره باشد، از نظر ما مساله استرداد منتفی است و آن فرد در چهارچوب قوانین حاکم در کشور محاکمه میشود.

همبستگی: خرج این کارها را از کجا می آورید؟
آذر ماجدی: کار. کار خود صفحه ۳

تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی تا پذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

باین ترتیب جواب به سوال شما چنین است: بله، اگر حزب کمونیست کارگری در ایران بقدرت برسد مرزهایش را باز میگذارد و به هر کس که بخواهد در ایران زندگی و کار کند اجازه اقامت، کار و حق تابعیت اعطا میکند.

همبستگی: آیا حزب کمونیست کارگری در این صورت به فراریان دنیا در ایران پناهندگی میدهد؟
آذر ماجدی: منظور شما را از فراریان دنیا متوجه نمی شوم. "فراریان دنیا"، از نظر حقوقی و سیاسی مقوله ای ناروشن است. همانطور که در پاسخ به سوال اول گفتم، دولتی که حزب کمونیست کارگری در راس آن باشد، به هر کس که علاقمند به زندگی در ایران باشد و تعهدات حقوقی شهروندی را بپذیرد اجازه اقامت خواهد داد. پناهندگان سیاسی، فراریان از فجایع طبیعی و جنگ و غیره را نیز با آغوش باز خواهد پذیرفت.

محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور بی قید و شرط اجازه اقامت و کار برای متقاضیان اقامت در ایران.

در یک دنیای بهتر همچنین سرفصلی به امر برابری حقوقی کلیه ساکنین کشور مستقل از تابعیت اختصاص داده شده که مواد زیر در زیر این سرفصل مطرح شده است:
"برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. شمول یکسان قوانین کار و رفاه اجتماعی بر همه کارگران مستقل از تابعیت.

صدور جواز ورود، اقامت، اجازه کار و کارت های بیمه و غیره برای همه متقاضیان اقامت در ایران.

هر جا که در برنامه ما صحبت از برابری و رفع تبعیض مطرح شده، مساله تابعیت، ملیت و نژاد بعنوان مقولاتی مهم ذکر شده است. در فصل "برابری و رفع تبعیض" میخوانیم: "حزب کمونیست کارگری به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرآ، شغل، مقام و

همبستگی: زمانیکه حزب کمونیست کارگری در ایران قدرت بگیرد و دولت جمهوری سوسیالیستی را برپا کند، آیا مرزهایش را باز میگذارد یا وضع بر همین منوال خواهد ماند که الان شاهد هستیم، چه رفتاری با فراریان، پناهندگان و مهاجرین میکند؟

آذر ماجدی: بنظر من آنچه که ما اکنون در دنیا شاهد آن هستیم، یعنی مقررات سخت و محدودیت های بسیار بر عبور و مرور مردم از یک کشور به کشور دیگر نقض یک حق پایه ای انسان است. این مقررات و محدودیت ها از جانب دولت های بورژوازی بر دنیا تحمیل شده است. در یک دنیای آزاد هر انسانی باید از این حق برخوردار باشد که در هر گوشه ای از دنیا که میخواهد زندگی کند. در شرایط کنونی این مقررات و محدودیت ها موجد تراژدی های انسانی بیشماری است، که بسیاری از خوانندگان نشریه شما آنها را بصورت دست اول تجربه کرده اند.

برای پاسخ مشخص به این سوال، بهترین کار رجوع به برنامه حزب کمونیست کارگری ایران، "یک دنیای بهتر" است. این اصل، یعنی احترام به حقوق انسانها در سفر و اقامت گزیدن در کشوری دیگر، در برنامه حزب کمونیست کارگری جایگاه مهمی را اشغال کرده است. در "یک دنیای بهتر"، چندین بند در این رابطه طرح شده است: "ممنوعیت اعمال هر نوع

همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سرمدبیر: مهرنوش موسوی

دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582

دکس: 00 358 631 542 53

mehrnousch@aol.com

tavakoli@hotmail.com

صدای همبستگی

شنبه ها در

رادیو انترنسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

به

فدراسیون سراسری

پناهندگان

کمک مالی

کنید!

همبستگی هفتگی

را تکثیر و پخش

کنید!

وضعیت پناهندگی در سوئد

و اقدامات فدراسیون در این کشور!

صفحه ۲

داستان رنج و تحقیر ناداری!

صفحه ۴

گوشه ایی از تماسها و فعالیتهای دبیرخانه مرکزی همبستگی!

صفحه ۳

مرگ بر جمهوری اسلامی!

وضعیت پناهندگی در سوئد و اقدامات فدراسیون در این کشور!



اسماعیل مولودی

e_molodi@yahoo.com

اولا تلاش میکنیم پرونده بسته آنها را مجدداً به جریان بیاوریم یعنی از طریق ارتباطها میکوشیم مقامات را متوجه پرونده کرده تا دو باره بازگشایی شوند. تاکنون در موارد فراوانی موفق شده ایم. بازگشایی پرونده شانس قبولی پناهجو را بالا میدهد. ثانياً تلاش میکنیم از طریق ارتباطاتی که با سازمانها و جامعه سوئد داریم مشکلات درمانی و پزشکی آنها را حل کنیم. ما با تشکل پزشکان مخفی که به پناهجویان مخفی کمک میکنند ارتباط داریم و از این طریق میتوانیم بخشی از مشکلات آنها را حل کنیم.

امیر توکلی: کلا چند دفتر فدراسیون در سراسر سوئد وجود دارد، و از چه طریقی میتوان با دفاتر شما تماس گرفت؟

اسماعیل مولودی: در مدت دو سال اخیر تشکیلات فدراسیون در سوئد گسترش چشمگیری داشته است. قبلاً در شهرهای مالمو، یوتیبوری و استکهلم دفتر داشتیم ولی حالا در گیمو، بودین، لیروم، هولتفرد، نورشوپینگ، لین شوپینگ، ماریستاد و هووا فعال و یا جمع و تشکل فدراسیون داریم. تعدادی از آنها از پناهجویانی تشکیل شده اند که نمیتوانند مستقیماً خود آدرس و امور اداریشان را راه بیاندازند که دفتر کشوری در ارتباطات و امورات اداری آنها را کمک میکند. بهمین درجه اعضا و فعال فدراسیون زیاد شده اند. آدرس دفاتر و فعالین ما در نشریات فدراسیون و در سایت همبستگی موجود است.

اسماعیل مولودی: بیش از ۱۲۰۰ پناهجوی ایرانی در سوئد بشکل مخفی زندگی میکنند. در میان اینها تعداد خانواده ها کم نیستند. در مواردی پدر و مادرها و بچه ها در دو جای مختلف مخفی هستند. کودکان حتی نمیدانند چرا نمیتوانند پدر و مادر خود را ببینند. وضعیت روحی و روانی پدرها و مادرها و کودکان وخیم است. با زنانی روبرو میشویم که میگیند بخاطر اتاقتکی که در اختیارشان قرار گرفته با انتظاراتی روبرو میشوند که خارج از تصور است. می بینیم و می شنویم که فقر و فلاکت و درگیری زمینیه ای برای روآوری به تن فروشی شده است. جوانان و حتی بچه ها روزانه ۱۲ ساعت کار سیاه میکنند با روزی ۱۵۰ کرون. یعنی کمتر از دو ساعت دستمزد یک کارگر در سوئد.

این بردگان پناهجو در قلب اروپا اگر مریض شوند، نمیتوانند دکتر بروند. اگر پولشان را کارفرما ندهد دستشان به جایی بند نیست. اگر شخصیت شان به تسمخر گرفته شود کاری از دستشان برنمی آید. چون اجازه اقامت ندارند. تعداد بسیار بیشتری در بلاتکلیفی کشنده دچار بیماریهای عصبی شدند. امیدها تبدیل به ناامیدی و گوشه گیری و انزوا شده است. اعتیاد بیداد میکند آمار خودکشی سیر صعودی دارد و دولت هم از طرف دیگر دیپورت میکند. اینها قربانیان جهنم جمهوری اسلامی از یکسو که خواهان بازگشت به آن نیستند، و همچنین قربانی سیاستهای راست دولتهای سرمایه داری غرب هستند.

امیر توکلی: چه میتوان کرد تا پناهجویان مخفی بتوانند از شر این وضعیت غیر انسانی خلاصی یابند؟ همبستگی چه کمکهایی به آنها میکند؟

اسماعیل مولودی: ما ارتباط مستقیم با تعدادی از پناهجویان مخفی داریم. ما

شرکت داشتیم. در نتیجه این کمپینها و اعتراضات سازمانیافته، ۵۰ پناهجو اجازه اقامت گرفته اند. که ۶۰ در صد آنها را زنان و کودکان تشکیل میدهند. دهها پرونده اخراجی متوقف شده است. از میان آنها تعدادی توانسته اند اقامت بگیرند. برای نمونه سارا و دو فرزندش، پری و پسرش و فریده و دو فرزندش جزو اخراجی ها بودند که با تلاشهای فراوان فدراسیون و دیگر تشکلهای انساندوست، اخراجشان متوقف شد و اجازه اقامت گرفتند.

امیر توکلی: دفتر فدراسیون در سوئد چه خدماتی به پناهجویان و مراجعه کنندگان ارائه میدهد؟

اسماعیل مولودی: دفتر فدراسیون در سوئد به محل امید و تکیه گاه برای کلیه پناهجویان تبدیل شده است. پناهجویان با ما تماس میگیرند در مورد مشکلاتشان صحبت میکنند. ما آنها را با قوانین آشنا میکنیم. وکلایی که مورد اعتماد هستند و دوست فدراسیونند را به آنها معرفی میکنیم. در موارد لازم خود وکالت آنها را بعهده میگیریم.

امیر توکلی: چه تعداد پناهجوی ایرانی در سوئد زندگی میکنند و کلا وضعیت پرونده آنها و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، کدامند؟

اسماعیل مولودی: در این مورد آمار رسمی وجود ندارد اما حدوداً بین ۴ تا ۵ هزار پناهجوی ایرانی در سوئد وجود دارد که هنوز اجازه اقامت نگرفته اند از این تعداد بیش از هزار نفر زندگی مخفی دارند. دولت سوئد مثل تمام کشور اروپایی دیگر تلاش میکند ایران خاتمی را امن جلوه دهد در نتیجه قبولی ایرانی ها خیلی کم شده است.

امیر توکلی: وضعیت زندگی پناهجویان مخفی و شرایط کودکان این خانواده ها به چه نحو است؟

حق استفاده از مهد کودک و مدارس بچه ها را از دست میدهند در این مرحله پناهجو فقط کمک هزینه خوراک و مسکن را میگیرند. در نتیجه تلاش سازمانهای انساندوست سوئدی و تشکلهای دیگر از جمله فدراسیون سراسری پناهندگان، دولت قبول کرده که بچه ها حق استفاده از مدارس را حفظ کنند حتی اگر جواب رد به والدینشان داده شود. یکی دیگر از موفقیتهای ما که توانستیم به دولت تحمیل کنیم، این بود که مسئله بهداشت و درمان بچه های پناهجویان مخفی را دولت بعهده بگیرد. این خدمات از ماه ژوئن سال ۲۰۰۰ رسمیت یافته است.

امیر توکلی: چه موفقیتهایی در سال گذشته تشکیلات فدراسیون در سوئد داشته است؟

اسماعیل مولودی: ما در دو محور توانسته ایم موفقیتهای بزرگی بدست آوریم: ما توانسته ایم پناهجویان را بدور خواست مشروع و معین خود که عبارتند از حق شهروندی و نا امن اعلام کردن ایران از طرف دولت سوئد است، متشکل کنیم. پناهجویان به کمک و رهبری فدراسیون در اعتراضات و تحصنهای چند روزه شرکت کردند. تظاهراتهای بزرگی در شهرها و کمپهای (هووا، هولتفرد، گیمو، لیروم، مالمو، بودین، یوتیبوری و استکهلم) برگزار شد. در تمام این مدت چه روزنامه های محلی سوئدی زبان و چه رادیو های فارسی زبان و سوئدی زبان خبر و رپرتاژهای متعددی از این اعتراضات پخش کرده اند. چند حزب پارلمانی سوئد نامه ای در مورد ناامن بودن ایران به پارلمان سوئد ارائه دادند. فدراسیون بعنوان نماینده پناهجویان چند بار با نمایندگان مجلس سوئد ملاقات داشته است. در این ملاقاتها من و نماینده کمپها و گروههایی از پناهجویان

امیر توکلی: اوضاع پناهندگی در سوئد را در حال حاضر چگونه می بینید؟

اسماعیل مولودی: مسئله پناهندگی در سوئد در چند سال اخیر تغییرات فراوانی کرده به این معنی کل معادلات بضرر پناهجو شده و در یک کلام قوانین غیر انسانی پناهنده پذیری تابعی است از کل تغییراتی که در سیاستهای دول اروپایی نسبت به پناهجویان و بخصوص پناهجویانی که از کشور های غیر اروپایی به اروپا میآیند بوجود آمده. اگر آماری به قضیه نگاه کنیم ۹۹ درصد پناهجویان در اولین بررسی از طرف اداره مهاجرین جواب رد میگیرند. در مرحله بعد اداره امور اتباع بیگانه پرونده متقاضی را در یک هیئت پنج نفره بررسی میکند. در صد ردی ها در این مرحله بیش از ۸۰ درصد است.

مرحله سوم مساله اخراج پناهجو است که بستگی به این دارد پناهجو چه مدارک جدیدی ارائه میدهد تا کیس خود را معتبرتر کند. پناهجویانی که مدارک ارائه دهند و کیس شان سیاسی باشد معتبرتر و امکان قبولی شان بیشتر است. البته بسته به این است که در بازجویی اول، پناهجو چگونه کیس داده است. این بدان معنی است که کیسهای سیاسی هنوز اعتبار بیشتری دارند. پناهجو در بدو معرفی خود تحت پوشش اقتصادی و درمانی قرار میگیرد و تا زمانی که آخرین جواب را گرفته این امکانات در اختیارش است. وقتی جواب اخراج گرفت همه کمکها قطع میشود و در این مرحله است که پناهجو رو به زندگی مخفی میآورد و کوشش میکند که دوباره پرونده خود را بازگشایی کنند. البته این را اضافه کنم که وقتی پناهجو جواب اول را گرفت و رد شد یک سری امکانات را از دست میدهند، مثلاً حق یادگیری زبان سوئدی و

گوشه ایی از تماسها و فعالیتهای دبیرخانه مرکزی همبستگی!



فرشاد حسینی

ifir@ukonline.co.uk

گرفته و خواهان اطلاعات در مورد وضعیت ایران برای دفاع از موکل هایشان میشوند. اخیراً وزارت مهاجرت کانادا خواهان اشتراک همبستگی انگلیسی شده است. بسیاری از نهادها و سازمانهای بین المللی از جمله سازمان عفو بین الملل، سازمان حقوق بشر آمریکا، موريس کاپیتورن نماینده ویژه سازمان ملل در امور ایران، و بالاخره کمیسیون روابط نژادی اروپا به گزارشات و نشریات ما استناد کرده و در گزارشات خود از مطالب ما فاکت میاورند. خواستار تماس با ما و گاهاً جلسات و میزگردهایشان را میخواهند با کمک و مشارکت ما سازمان دهند. این تنها یک جنبه از کار دبیرخانه مرکزی به صورت فشرده است.

در ایران با ما و فعالیتهای همبستگی آشنا شده و خواهان ارتباط با ما میشود. بعضاً شماره تلفنهای ما را از طریق رادیو صدای ایران، رادیو فرانسه و رادیو اسرائیل گرفته و با ما تماس میگیرند. در خارج نیز تماسهای زیادی از آمریکا و کانادا گرفته تا مالزی و ژاپن کشورهای عربی و غیره داریم. که همگی در رابطه با مشکلات پناهندگی خود یا فامیلیهایشان صحبت میکنند. ترکیه و پاکستان نیز بیشترین تماسها را در برمیگیرند. یک پناهجو در ترکیه پس از دریافت پاسخ نامه اش نوشته بود: "وقتی نامه شما را دیدم احساس کردم نامه قبولی ام را دیده ام". یکی از نکات قابل توجه در بسیاری از تماسهای اخیر دبیرخانه موضوع زنان پناهنده است که مورد خشونتهای مردسالارانه شوهرانشان واقع شده اند و از ما بعنوان مهمترین تشکل مدافع حقوق زنان کمک و حمایت میخواهند. بخش دیگر متقاضیان دبیرخانه را سازمانهای حقوقی و پناهندگی و نهادهای خارجی تشکیل میدهند. وکلای زیادی از کشورهای مختلف با ما تماس

مختلفی تشکیل میدهند. بعنوان نمونه از داخل ایران ما از آخوند خلع لباس شده که از ما تقاضای کمک میکند و کانديد سلب صلاحیت شده مجلس جمهوری اسلامی که قصد فرار دارد و افسر فراری نیروی انتظامی تا روزنامه نگار روزنامه های ممنوع شده و فعال دانشجویی و فعال کارگری را در تماسهای خود در رابطه با این افراد البته متفاوت و قبلاً اعلام شده و با خود آنها درمیان گذاشته میشود. جوانان و دختران و زنانی که در مورد وضعیت پناهندگی در کشورهای مختلف اطلاعات میخواهند و بعضاً جوانانی که خواهان فعالیت با ما یا حزب کمونیست کارگری ایران اند. پدری که فرزندش در یکی از کشورهای اروپایی بیمار است به ما تماس میگیرد تا به ملاقاتش برویم. پدری که فرزندش در جنگ مفقود شده با ما تماس میگیرد تا از فرزندش اطلاعاتی بدست بیاوریم و بسیاری که از طریق ما دنبال کسب خبر از سرنوشت پناهندگی فرزندانشان میباشند. خانمی که هفت سال در اتریش اقامت داشته و از طریق مادرش

تماسهایی دارند که این گزارش را شامل نمیشود یا مثلاً تماسهای شنوندگان رادیو را باید از این گزارش مستثنی کرد.

میزان تماسها با دبیرخانه

در حال حاضر دبیرخانه روزانه بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ نامه از طریق اینترنت و ای-میل دریافت میکند. در روز بیش از ۵۰ مورد تماس تلفنی با اعضای دبیرخانه گرفته میشود. و دهها نامه از طریق پستی ارسال میشود و روزانه بین ۱۰ تا ۲۰ مورد فاکس دریافت میگردد. این فقط میزان تماسهای روزانه به دبیرخانه است. واحدهای کشوری و شهری نیز به سهم خود پذیرای بیشترین متقاضیان نسبت به سالهای قبل هستند. مراجعات به دفاتر افزایش چشمگیری یافته است. و امروز همبستگی به تنها نهاد معتبر برای مقابله با سیاستهای ضد پناهندگی دولتهای پناهنده پذیر و دفاع از حق پناهندگی و جلوگیری از اخراج پناهجویان ایرانی تبدیل شده است.

ترکیب و نوع درخواستها از دبیرخانه

مراجعه کنندگان و متقاضیان کمک از دبیرخانه را افراد

دبیرخانه همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در حال حاضر پذیرای بالاترین میزان مراجعات و تماسهای پناهندگان و مردم است. دوازده سال فعالیت پیگیر و مداوم این تشکل و تلاش خستگی ناپذیر کادرها و مسئولین این نهاد و موفقیتهای بسیاری که از دل مبارزات و هدایت فعالیتهای واحدهای فدراسیون در کشورهای مختلف در دفاع از حق پناهندگی پناهندگان ایرانی، موجب شده است که همبستگی به یکی از محبوب ترین و توده ای ترین تشکلهای ایرانی خارج کشور تبدیل شود. نگاهی به فعالیتهای و حجم وسیع مراجعات و تماسها با دبیرخانه و نوع درخواستها و ترکیب متقاضیان همه حکایت از این واقعیت دارد. این تماسها از سراسر دنیا بویژه از ایران با ما برقرار میشود. عمده مسائل مطرح از جانب مردم طرح مشکلات و مسائل پناهندگی و سایر مشکلاتی است که با آن دست به گریبانند. این تماسها فقط تماسهایی با دبیرخانه مرکزی است. دفاتر و کادرهای شناخته شده فدراسیون که مورد اعتماد مردم هستند خود مداوماً

اگر دولت جمهوری سوسیالیستی در ایران برپا شود،

چه رفتاری با حق اقامت، کار و تابعیت پناهندگان و مهاجرین میکند؟

برای عموم ایجاد کرد. حزب کمونیست کارگری ایران خواهان استقرار چنین جامعه ای است. دگرگون کردن بنیان اقتصادی جامعه، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه، لغو کار مزدی، در یک کلام فروپاشی نظام سرمایه داری محور و هدف اصلی مبارزه کمونیستی است.

در سوسیالیسم که بجای تولید

از اینروست که در کنار ثروت های عظیمی که توسط کار انسان ها بوجود آمده است، ما شاهد فقر و محرومیت میلیونی هستیم. فقر و محرومیت میلیون ها انسان در جهان امروز نه بعلت کمبود منابع، بلکه محصول مناسباتی است که بر دنیا حکم میراند. با دگرگون کردن این مناسبات میتوان یک جامعه فارغ از فقر و محرومیت و یک زندگی مرفه و شکوفا

انسان. کار انسان نیروی خلاقه ای است که جهان را میسازد. سرمایه داری این نیروی خلاقه را به اسارت میکشد، و استثمار میکند. در نظام سرمایه داری "انگیزه فعالیت اقتصادی تولید مایحتاج انسان ها نیست، بلکه سودآوری سرمایه است." کار انسانها تا آن زمان دارای ارزش است که برای سرمایه دار سود تولید کند. بیکاری یکی از اجزای جدایی ناپذیر سرمایه داری است.

از سایت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان

دیدن کنید

www.hambastegi.org

جدیدترین اطلاعاتی های فدراسیون، جدیدترین شماره نشریه همبستگی، آخرین اخبار و رویدادهای پناهندگی و مقالات متنوع دیگر را میتوانید مطالعه کنید.

ادامه:

داستان رفح و تحقیر نداری!

احساس عجیبی داشتم، آن لحظه که حالت حمله به بیمارستان و در و دیوارش را داشتم، آن لحظه که فریاد میزدم و سبیلهايم به همراه دستهایم میلرزید، احساس سوزشی نداشتم، اعتراض جای حقارتم را گرفت. توی راه یاد خبر یک هفته قبل رادیو انترناسیونال در باره حمله کارگران جامکو و شادان پور به میله های مجلس افتادم، ماههاست حقوقشان را نداده اند. به خودم گفتم یا اعتراض میکنی یا له میشی، غرور، احترام، همه چی به همین بستگی دارد، راه دیگری نیست.

چقدر سیاه بود این دنیا، اگر همین اعتراض هم نبود!

(نقل قول ها از "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کارگری ایران)

داستان رنج و تحقیر ناداری!

حسین مقدم نیا

ورقه بیمه گذاشت. من میشنیدم که دکتر اصلاً راجع به وضع جسمی او سؤال نمی‌کرد، سئوالات مربوط بود به مشکل کارت بیمه نداشتن ما بود!

با کمال خونسردی به ما گفت متأسفم نمیتوانیم شما را قبول کنیم. یاد بیمارستان امام خمینی افتادم و اینکه اول مرا مجبور کردند چسب و تنظیف و دوا بخرم و بعد پای زخمی پسر را مداوا کردند. صدایم بلند شد، هیچ چیز دیگر برایم مهم نبود. گفتم اینجا بیمارستان است یا مغازه خرید و فروش و معامله، دستم را روی سینه کمک پزشک برده اسم و تیتیر دکتریش را کندم. گفتم جای این باید چیز دیگری بنویسی. فقط خشم نبود، یک رنجی و یک سوزش حقراتی بود که گلویم را سخت فشرده بود. گفتم انسان نیستید شما، همسر من از درد به خودش می‌پیچد، شما فکر و ذکرتان نحوه پرداخت بیمه است، تازه چرا من مقصرم که بیمه سوسیال را از قصد طوری کرده اند که امکان رجوع به دکتر برای ما نمانده است. همه چیز با ارزشتر از جان انسان است. دستم را توی جیبم کردم، هر چی بود توی صورتش پرتاب کردم و گفتم بیا! چند نفری سرو کله شان پیدا شد، کمک پزشک به التماس افتاده بود به لهجه اروپایی شرقی میگفت باورکن من هم یک آدم کوچکم در این سیستم. با خشم به طرفش برگشتم و گفتم این یکی را راست میگوئی آدم کوچکی هستی، اصلاً هیچ کدام شما آدم نیستید.

با پا در میانی پزشکیاران دیگر همسر را خوابانند، از خوش شانسی آپاندیس نبود. من تا پاسی از شب پیشش بودم، بیرون آمدم، بوسیدمش، در آغوش کشیدم و بهش قول دادم، بدون سرو صدا برم خونه.

در راهی که حدود یک ساعت با پای پیاده طی کردم، پکهای عمیقی به سیگارم زدم، نمیدانم نم نم باران بود که صورتم را خیس کرده بود یا اشک بود.

صفحه ۳

اینجا بایستید من می آیم و با ماشین شما را به بیمارستان میبرم. دستی روی موهای زیبای او کشیدم. به بچه ها گفتم ما زود برمیگردیم، نگران نباشید و در را روی غریبه باز نکنید. پسر همسایه آمد، یک ماشین بزرگ و بسیار شیک، ما توی ماشین سوار شدیم. کلمه ای حرف بین ما ردوبدل نشد. تمام طول راه خدا خدا میکردم که پسر خانم ماری تا اتاقی که برای نوشتن نام و شماره بیمه میبرند نیاید. به خانم ماری نگفتم بودم که من و خانواده ام کمک اجتماعی میگیریم و در نتیجه بیمه سوسیال هستیم. از طرفی دستم در دستهای همسر بود و فکرم جای دیگر.

به محل پارکینگ بیمارستان رسیدیم. پسر خانم ماری هم با ما تا دم در آمد، فوراً در یک حرکت سریع به خانم سکرتر گفتم که ما کارت بیمه همراه نداریم، ما بیمه سوسیال هستیم و او با نگاهی که سؤال برانگیز بود به من خیره شد. در حالیکه سعی میکردم با صدایی آرام به سئوالاتش جواب دهم، چشمانم دنبال ژوزف میگشت، با کمال تعجب دیدم او هم از قضا کار من را میکند، از ما دوری و یکجوری میخواهد نشان دهد که با ما نیست. به او گفتم از لطف شما ممنوم، شما میتوانید برگردید، من پیش همسرم میمانم. او هم از خدا خواسته رفت. دکتر بالای سر همسر آمد، نگاهی به پرونده کرد، او را معاینه کرد و روبه پرستار گفت میماند، احتمال آپاندیس هست. پرونده را به پرستار برگرداند و گفت ببرش طبقه دوم. طبقه دوم آزمایش ادرار و خون صورت گرفت. پرستار گفت که ولی ما ورقه بیمه میخواهیم. گفتم ورقه های ما دست دکتر داخلی است. ایشان در مسافرت هستند و این وقت شب هم اداره سوسیال بسته است. تلفن دستی اش را باز کرد، به رئیس بیمارستان تلفن زد و با لحن دیگری وضع سیما را توضیح داد و تأکیدش را روی نداشتن

لباس و اینکه به رنگ پوستت میخورد یا نه مدام روی قیمت انگشتهایت را میبری و می آری. یکباره بچه ات به یک مدرسه دیگر فرستاده میشود، غذاهای دیگری میخوری، بچه دار شدن و نشدنت تصمیم سنگینی جیبت است، بچه کوچکت، تا وقت همراهی کردنش به خرید میرسد، اولین چیزی که یاد میگیری این است که چرا نداریم، پاسخ همه سئوالاتش هست و اینکه چرا این جواب اینقدر قاطع و قانع کننده به نظر میرسد. محله ایی و حتی خانه ایی که در آن زندگی میکنی فرق میکند، خانه های آپارتمانی سر به فلک کشیده، گتوهای فقرا و خارجیان است. اما این فقط مربوط به زمان حال است. آینده برای آدمی مثل من و خانواده ام فقط نگرانی و ترس است. عدم امنیت، عدم آرامش، یادم رفت حتماً این یکی را هم با همان ترازوی سنگینی جیب تقسیم کرده اند. فقر آدم را بزدل میکند، یک بیماری کوچک کافی است تا تو فوراً به بعد از مرگت و سرنوشت بچه هایت فکر کنی. فقر آدم را در مقابل زندگی کوچک میکند.

۲ ماه پیش همسر در آشپزخانه شروع به شکایت کرد که دلش درد میکند، نبات داغ و کیسه آبگرم کاری که نکرد بدتر شد. کتم را پوشیدم و سیما را در حالیکه درد زیادی داشت به دم در آوردم. همان لحظه از خودم خجالت میکشیدم که داشتم حساب پول تاکسی را میکردم. به خودم گفتم تف به این زندگی! تا بیرون آمدم مردی در همسایگی ما با سگش رد میشد، میشناختمش، مادرش در محله ما بود. خودش در جای دیگری زندگی میکرد، آخر هفته به مادرش سر میزد و با سگش قدم میزد. نگاهش به من و سیما افتاد، نتوانست بی تفاوت برود، گفت احتیاج به کمک دارید؟ گفتم بله همسرم درد دارد. نه با اشتیاق فراوان بلکه با یک حالت بینابینی گفت

سرمایه داری همه جا یکنواخت است. ناگفته نماند که فقر و ناداری را اصلاً قابل مقایسه با ایران نمیدانم، ولی تحقیر تحقیر است و رنج رنج. چه فرقی میکند چقدر است. روزهای اول که اول هر ماه در اداره سوسیال صف میکشیدیم تا پولمان را بدهند، متوجه یک سری واقعیات نبودم. بعداً و از زمانی که بیشتر وارد جامعه شدم متوجه شدم که با ما که مجبوریم کمک اجتماعی دریافت کنیم چگونه رفتار میشود.

یک چیز برای من جالب است، پول عجب قدرت و شخصیتی دارد. همه جا! یک جوری هست که تو فکر میکنی همه چیز بغل هم چیده شده است. وقتی ناداری، وقتی این کاغذهایی که شخصیتشان از خود تو که آدمی محترمتر است در جیب ناداری یکپو همه چیز تغییر میکند، فروشگاه معینی میروی، عادت میکنی قیمتها را چند بار نگاه کنی، به جای امتحان کردن رنگ

من یک پناهنده سیاسی هستم که چهار سال و نیم است در اروپا زندگی میکنم. بدنبال بدبختی های زیاد که از دست سازمان اطلاعات و ۳ سال زندان کشیدم داشتم، به همراه همسر و دو فرزندم همه دار و ندارم را فروختم و در جستجوی خوشبختی و خلاصی از آن جهنم راهی دیار غرب شدم. چه خوش بود دوران انتظار برای گرفتن پاس! فکر میکردم و امید داشتم که گرفتن پاس همه چیز را حل میکند و اینبار دل به دنیای بعد از پاس بستم. نمیدانم انگار سهم ما از زندگی مدام امید بستن به ایجاد خوشبختی در آینده است. زمان حال مهم نیست. من در ایران نجار و مبل ساز بودم. در همان ایرانش هم میدانستم ناداری یعنی چه! اما در اینجا فکرم را نمیکردم، این تصور که در غرب همه چی برای همه هست مثل پتک توی سرم خورد و مدتی گیج خوردم تا باور کردم که آسمان دنیای

دیر خانه مرگری

مریم نمازی دبیر فدراسیون فرشاد حسینی معاون دبیر و مشاور مسائل پناهندگی کیوان جاوید سردبیر نشریه همبستگی سیامک امجدی مسئول سایت در انترنت رامین نیاکان مسئول فاکسهای حمایتی نسرین رمضانعلی مسئول تشکیلات لادن داور مسئول مالی حبیب نصوحی دستیار مالی مهنوش موسوی سردبیر همبستگی هفتگی و تهیه کننده و مجری صدای همبستگی امیر توکلی مسئول روابط عمومی و دستیار همبستگی هفتگی جمال کمانگر مسئول کشورهای هم مرز جواد اصلانی دستیار سردبیر همبستگی انگلیسی و ماهنامه حقوق مدنی در ایران

تلفن: 00 447730107337

فکس: 00 448701294167

ifir@ukonline.co.uk

آدرس: PO.Box 27236 - London - N11
2ZF - England

به فدراسیون سراسری پناهندگان پیوندید!